

بیانات در دیدار مسئولان اجرائی استان قم - 5 / آبان / 1389

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا و نبيتنا ابي القاسم المصطفى محمد و على اله الأتبيين الأظهرين المنتجبين سيما بقية الله في الأرضين.

السلام عليك يا سيدتي و مولاتي يا فاطمة يا بنت موسى بن جعفر ايتها المعصومة سلام الله عليك و على ابائك الطيبين الطاهرين المعصومين.

خیلی خوشوقتیم از اینکه با خدمتگزاران صمیمی و با اخلاص ملت ایران و شهر قم امروز این دیدار بسیار شیرین را داریم. من تشکر میکنم از اینکه هیئت محترم دولت زحمت کشیدند و برای تدبیر در زمینه آبادانی قم و کمک به رفاه این مردم عزیز، به قم مشرف شدند و در برابر بارگاه حضرت معصومه (سلام الله علیها) حاضر گردیدند. از همه‌ی شما حضار محترم هم در هر بخشی که مشغول خدمت هستید، صمیمانه تشکر میکنم و امیدوارم خداوند متعال به شما توفیق بدهد و از شما راضی باشد و بتوانید ان شاء الله این مردم عزیز را، این مردم مؤمن و پرشور را به تمام معنای کلمه از خودتان راضی و خشنود کنید.

يك توفيق بزرگ برای هر کسی، توفیق خدمت است. از نظر خداوند متعال، خدمت به انسانها فی نفسه يك ارزش و يك حسنه است. اگر آن مردمی که به آنها خدمت میکنید، دارای امتیازاتی باشند مثل ایمان، مثل جهاد، مثل انگیزه‌های عالی در حرکت‌های اجتماعی، خدمت به آن مردم ارزش مضاعف پیدا میکند؛ و خدمت به مردم قم از این قبیل است؛ مردم مؤمنی که در مواجهه‌ی با مسئولیتهای سنگین در طول ده‌ها سال گذشته امتحان خود را بخوبی داده‌اند و از عهده‌ی امتحان سربلند بیرون آمده‌اند. خدمت به این مردم، حقیقتاً توفیق بزرگی است. شما برادران و خواهران عزیز و محترم این را قدر بدانید.

قم در دوران حاکمیت طاغوت مبعوض بود. مبعوض بودن آن هم درست به دلیل امتیازات معنوی و واقعی این شهر بود؛ به دلیل تدینشان، به دلیل ارتباطشان با روحانیت، به دلیل حوزه‌ی علمیه‌ی مستقر در این شهر. اولین فریاد مقابله‌ی با ظلم رضاخانی از شهر قم بلند شد. مرحوم حاج آقا نورالله اصفهانی برای اینکه بتواند با استبداد رضاخانی در آغاز حکومت او مقابله کند، قم را پناهگاه خود قرار داد؛ به قم آمد و علمای شهرهای مختلف از نقاط مختلف کشور در قم جمع شدند؛ که البته با سرکوب حکومت مستبد چکمه‌پوش پهلوی مواجه شدند و مرحوم حاج آقا نورالله مسموم شد و به شهادت رسید. بعد از آن در همین صحن مطهر، يك عالم دینی باتقوا فریادش را علیه کشف حجاب بلند کرد و همه را متوجه خود کرد. رضاخان از تهران بلند شد آمد، آن مرد عالم و متقی و پرهیزگار و مجاهد و معنوی را زیر مشت و لگد گرفت. مقابله‌ی با دستگاه پهلوی در قم دارای این سوابق است. پس مسئله فقط از دوران شروع مبارزات روحانیت در سال 41 نیست. همه‌ی اینها موجب شده بود که حکومت طاغوت با قم به صورت يك دشمن برخورد کند. لذا آبادانی و عمران در قم نبود، صرف بودجه‌های لازم در قم نبود، امکانات گوناگون نبود؛ یعنی کمتر از نقاط دیگر به قم توجه میکردند. بسیاری از نیازهای مردم در دوره‌ی طاغوت نادیده انگاشته میشد و به مردم نمیرسیدند؛ آنها کارهای دیگری داشتند؛ لیکن قم باز در مقایسه‌ی با بسیاری از شهرهای دیگر محروم‌تر بود. وضع قم این است.

خوب، بعد از انقلاب توجه خاصی شد، اقبال خاصی به قم شد؛ لیکن حقاً و انصافاً - همان طوری که گزارش کردند و بنده هم این گزارش را تصدیق میکنم - از پنج سال پیش به این طرف، حرکت برای عمران قم و کمک به آبادانی این شهر بیشتر شد، سریعتر شد، يك رشد چشمگیری پیدا کرد؛ که خوب، این مغتنم است؛ منتها باید ادامه پیدا کند. اگر این همت و این شوق و این علاقه‌ای که امروز مسئولان محترم نسبت به مسائل قم ابراز میکنند، ادامه پیدا کند، این امید وجود دارد که ان شاء الله عقب‌ماندگی‌های متراکم گذشته بمرور جبران شود؛ و این برای کشور مهم است. خدمت به قم فقط خدمت به يك شهر نیست؛ خدمت به کشور و آبروی کشور است؛ چون اینجا پایگاه انقلاب است،

پایگاه روحانیت است، بزرگترین حوزه‌ی علمی در اینجا مستقر است، شخصیت‌های برجسته‌ی علمی و دینی در این شهر مستقرند، مورد توجه انظار عمومی عالم است. شما ملاحظه کنید در همین چند روز همه‌ی دستگاه‌های تبلیغاتی دنیا متوجه قم و مردم قم و روحانیت قم بودند؛ این نشانه‌ی اهمیت این شهر است، مرکزیت این شهر است. بنابراین خدمت به این شهر، خدمت به آبروی جمهوری اسلامی است.

یکی از برنامه‌های تبلیغاتی دشمنان در طول سالهای انقلاب این بوده است که رمزا و نمادهای انقلاب و اسلام را تضعیف کنند. هر چیزی که به عنوان نماد اسلام و نماد انقلاب در سطح ملی وجود دارد، این را مورد تضعیف قرار دهند؛ تضعیف روحانیت و تمسخر روحانیت از این باب است؛ تضعیف بسیاری از معارف اسلامی و اهانت به آنها و خدشه‌ی در آنها از سوی افراد گوناگون، از این قبیل است. تضعیف قم هم از این قبیل است.

برای قم برنامه‌ریزی کردند. همان طوری که دیروز هم در یک جلسه‌ی در اینجا گفتم، تصمیم جبهه‌ی دشمن این بود که همچنان که قم پایگاه عظمت اسلام و برافراشته شدن پرچم انقلاب بود، در همین قم آنتی‌تز انقلاب را به وجود بیاورند؛ اینجا را بکنند پایگاه ضدیت با انقلاب؛ برای این تلاش کردند، برای این برنامه‌ریزی کردند. از انواع و اقسام شیوه‌ها استفاده کردند؛ از جمله کار کردن روی فکر مردم قم، روی احساسات مردم قم، شاید بتوانند این احساسات را خاموش کنند یا کمرنگ کنند. بنابراین در این سالها خیلی کار شده است.

اگر شما می‌بینید پاسخ مردم به این همه تلاش خصمانه، اینجور پرشور و باشکوه است - این حماسه‌ای که مردم قم در این چند روز به وجود آوردند و نشان دادند - این به خاطر بیداری این مردم است، نشانه‌ی عمق نفوذ و رسوخ ایمان در این دلهاست؛ والا دشمن هیچی کم نگذاشته است. توجه به قم زیاد است. باید کاری کرد که این تبلیغات خنثی شود؛ و این از راه خدمت به مردم و کمک به مردم، شناسائی مشکلات حقیقی این شهر و این مردم امکانپذیر است. لذا امروز در این جلسه و در حضور شما مسئولین محترم، عمده‌ی توصیه‌ی من همین است که هرچه می‌توانید، برای خدمت به این مردم، برای گشودن گره‌ها از زندگی این مردم تلاش کنید.

البته امکانات دستگاه‌های دولتی، امکانات محدودی است - امکانات نامحدودی نیست - لذا باید اولویتها را در نظر گرفت. همیشه همین جور است؛ باید نگاه کرد، دید اولویتها کجاست؛ و این یکی از اولویتهاست. به نظر من مسائل مهم شهر قم - که خوشبختانه در صراط اجراست - بایستی دقیقاً فهرست شود. همین مصوباتی که امروز هیئت محترم وزیران در اینجا داشتند، همچنین مواردی که در سفرهای رئیس جمهور محترم به این شهر تصویب شده است، اینها باید دقیقاً و موبه‌مو اجرا شود. مسئولین محترم سعی کنند همه‌ی این مصوبات را با دقت و با اهتمام، تا آخر دنبال کنند. همین مسئله‌ی آب برای قم که مسئله‌ای بسیار اساسی و حیاتی است، چند سال است که کارهای آن بحمدالله شروع شده و به طور نسبی به نتایج مطلوبی هم رسیده است؛ اما بایستی این همت و این تلاش ادامه پیدا کند تا ان شاءالله آب گوارای مشروب به شهر قم برسد و کام مردم را شیرین کند.

مسئله‌ی مناطق محروم قم که اشاره شد و آقایان در بیاناتشان فرمودند - هم آقای استاندار، هم آقای معاون اول محترم - بسیار مهم است؛ همین مناطقی که اسم آوردند و بعضی از مناطقی که اسم نیاوردند. در قم مناطق محرومی هستند با جمعیت زیاد، آن هم با مردمی عاشق و مشتاق انقلاب. همین منطقه‌ی نیروگاه که گفتند، با همه‌ی محرومیت‌هایی که دارد، مردم آنجا جزو مشتاق‌ترین و علاقه‌مندترین مردم در جهت انقلاب و در جهت آرمانهای انقلابند؛ این را ما اطلاع داریم. در دوران دفاع مقدس هم همین جور بوده، بعد از آن هم تا امروز همین جور بوده است. یا محله‌ی شاه ابراهیم و محلات دیگری که محلات فقیر و عقب‌مانده‌ی قم هستند، باید با رویکرد امور رفاهی، بهداشتی، آموزشی و خدماتی، یک فکر اساسی برای این محلات بشود؛ یک حرکت دفعی انجام بگیرد تا بعد ان شاءالله به روال معمولی بیفتد.

یکی از مسائل قم، مسئله‌ی بهداشت و درمان است؛ که من در این چند روزی که اینجا بودم، از طرق مختلف نظرات متعددی از افراد راجع به نیاز شهر به امکانات بیشتر بهداشتی و درمانی به من رسید. البته کارهایی هم در این زمینه تصمیم گرفته‌اند و ان شاءالله انجام خواهد گرفت، لیکن باید اهتمام ورزید. شنیدم از بخشهای مورد نیاز، بخش زنان در امر درمان، که باید ان شاءالله به این مسئله توجه شود.

مسئله‌ی صنایع دستی شهر قم - که من در سخنرانی روز اول هم به آن اشاره کردم - مهم است. از سابق که ما قم بودیم و قبل از آن، این شهر معروف بود به صنعت بسیار زیبا و فاخر فرشبافی؛ این بایستی کمک شود. این امکانی است در این شهر، امکان بسیار مهمی هم هست. همه جا شنیده بودیم و زنان قم و مردان قم افتخار میکردند به این فرشهایی که در اینجا بافته میشد و معروف بود میگفتند «فرش نخ‌فرنگ»؛ نمیدانم حالا هم به همان صورت معروف است و گفته میشود یا نه. به مسئله‌ی فرششان، به مسئله‌ی صنایع دستی دیگرشان اهتمام ورزیده شود؛ این میتواند مردم را از درون زندگی خودشان بهره‌مند و مرفه کند.

مسئله‌ی صنعت را اشاره کردند؛ خیلی خوب است. در خصوص مسئله‌ی کشاورزی اینجا شنیدم که بناست از منطقه‌ی تهران و ورامین مبالغی آب به سمت منطقه‌ی کشاورزی مسیله جاری شود؛ که این از طرحهای دولت بوده است و از قبل تصمیم گرفته‌اند؛ بسیار کار خوبی است، بسیار کار مهمی است؛ ان شاء الله اینها انجام بگیرد. بحمدالله در این دولت کارهای بزرگی انجام گرفته است. در دولت نهم و دهم - همان طور که اشاره شد - کارهای بارزشی انجام گرفته است؛ چندین برابر کارهایی که قبلاً انجام گرفته بود؛ لیکن در عین حال نیازها همچنان وجود دارد. نیازها کاهش پیدا کرده است، لیکن تلاشهای بیشتری لازم است تا اینکه این نیازها بکلی برطرف شود؛ این به عهده‌ی شماهاست.

یکی از چیزهایی که خیلی مهم است، برخورد مسئولان رده‌های مختلف دستگاه‌ها با مردم و با مراجعین است؛ روی خوش، روی خوش. گفت:

چون و نمیکنی گرهی خود گره مباش

ابرو گشاده باش چو دستت گشاده نیست

گاهی يك مسئولی نمیتواند توقعی را که از او هست، انجام دهد. يك دستگاهی اعتباراتش کم است، امکاناتش کم است؛ مانعی ندارد؛ اگر چنانچه به قدر توان اما با روی خوش، با ابروی گشاده، با آغوش باز و صمیمانه با مردم برخورد شود، مردم خشنود میشوند، راضی میشوند. گاهی به دفتر ما در تهران مراجعاتی میشود. کسی درخواستی دارد، برای ما عملی نیست. میگویند بله، درخواست شما رسید، اما نمیتوانیم این کار را بکنیم؛ یا خلاف قانون است، یا مشکلات دیگری دارد. آن طرف میگوید من همین اندازه که شما به درخواست من توجه و رسیدگی کردید، راضی‌ام؛ ولو این کار انجام نگرفته. مردم خشنود میشوند از اینکه مسئولان دردهای آنها را احساس کنند، غمگسار آنها باشند. البته تلاش هم بکنند و به قدر امکان، نیازهای آنها را برآورده کنند. عرض کردیم امکانات دولت محدود است. اینجور نیست که ما خیال کنیم همه‌ی این کارهایی را که لازم است، دولت میتواند با دست باز انجام دهد؛ نه، از جهات مختلف محدودیتهای زیادی وجود دارد؛ اما همان مقداری که ممکن است، عمل کنیم و آنچه را که عمل میکنیم، با روی باز انجام دهیم. با مردم ابروگشاده باشیم؛ این از مهمترین کارهایی است که بر عهده‌ی ماست، بر عهده‌ی همه‌ی مسئولین است.

شما مسئولین محترم در بخشهای مختلف - چه بخشهای آموزشی، چه بخشهای خدماتی، چه بخشهای صنعتی، چه بخشهای کشاورزی، چه بخشهای فرهنگی، چه بخشهای بهداشتی و درمانی، چه بخشهای انتظامی و امنیتی و غیره - بدانید این خدمتی که میکنید، اجرش فقط آن مزدی نیست که از سوی دستگاه به شما پرداخت میشود؛ اجرش پیش خداست. اجری که خدای متعال میدهد، بمراتب بالاتر و ارزشمندتر و شیرین‌تر از اجرا و مزدهائی است که در دنیا به انسان میدهند؛ چه اجرهای مادی، چه حتی تشکر. ممکن است يك وقت ما يك کاری بکنیم، مردم از ما تشکر کنند؛ این هم يك مزدی است؛ اما مزد الهی خیلی از اینها بالاتر است. شما يك خدمتی میکنید، يك دلسوزی‌ای میکنید، وقت‌گذاری میکنید، بیشتر از وقت معمول در محل کار میمانید و خدمت میکنید. ممکن است هیچ کس هم نفهمد، اما خدا میداند. زیاد اتفاق می‌افتد و ما در طول این خدمت سی و یکی دو ساله بارها برخورد کرده‌ایم با افرادی که بدون اینکه کسی مطلع شود، بدون اینکه حتی مافوق آنها یا زیردست آنها یا همکار آنها بدانند، به يك کاری دلسوزانه رسیده‌اند. پرونده‌ای را نگاه میکرده، کاری را دنبال میکرده، وقت کار اداری هم تمام شده، گفته نیم ساعت دیگر، يك ساعت دیگر میمانم و این کار را تمام میکنم. هیچ کس هم ملتفت نشده، کسی هم از او تشکر نکرده.

بدانید اینها پیش خدا باقی است. هیچ کس نفهمد، نویسندگان الهی میدانند، کرام الکاتبین میفهمند؛ آنها اینها را ثبت و ضبط میکنند. آن روزی که چشمها و دلها همه محتاج لطف و رحمت و مغفرت الهی اند، اینها برای شما مایه‌ی روشنی چشم و دل خواهد شد؛ اینها در آن روز سخت و هولناک قیامت، سایه‌ای خواهد شد بر سر شما. بنابراین اجر الهی خیلی بالاتر است؛ به این اجر توجه کنید. بدانید هر کاری که میکنید، هر خدمتی که به مردم میکنید، این در نزد خدای متعال مضبوط و محفوظ است. وقتی با این روحیه کار کنید، از کار خسته نمیشوید. کار، دیگر ما را فرسوده نمیکند؛ مخصوصاً با توجه به اینکه کشور ما حقیقتاً به کار احتیاج دارد. ما در همه‌ی زمینه‌ها بایستی با تاخت پیش برویم.

در زمینه‌ی علمی، در طول صد سال، صد و پنجاه سال ما را عقب نگه داشتند. در زمینه‌ی صنعتی همین جور، در زمینه‌های گوناگون اجتماعی همین جور. حکومت‌های فاسد، حکومت‌های مستبد، حکومت‌های شهوتران، حکومت‌های شکمبار، و در این چند دهه‌ی آخر قبل از انقلاب هم حکومت‌های بشدت وابسته، پدر این کشور را درآوردند. یک روزی فقط استبداد بود، دیکتاتوری بود - دیکتاتوری ناصرالدین شاه، دیکتاتوری فتحعلی شاه - ولی دیگر وابستگی نبود؛ اما یک روز وضع این کشور به جایی رسید که هم دیکتاتوری بود، زورگوئی بود، فشار بر مردم بود، هم نوکری بیگانه بود. رضاخان قلدر که مثل یک گرگ وحشی به مردم میتاخت، در مقابل اربابهای انگلیسی، هر امتیازی که خواستند، به آنها داد. قرارداد نفت را گرفت، ظاهراً انداخت توی بخاری و سوزاند؛ اما چند روز بعد یک قرارداد بدتر و ننگین‌تری را برای مدت طولانی - سی سال بر مدت قرارداد قبلی نفت اضافه کرد - امضاء کرد، داد دستشان رفتند! مسئولین دولتی‌اش هم تابع او بودند. بعد از رفتن رضاخان، به تقی‌زاده که آن وقت وزیر دارائی بود، گفتند چرا آن روز این قرارداد را امضاء کردی؟ گفت من آلت فعل بودم؛ یعنی خود رضاخان مسئول بود. این آدمی که در مقابل مردم خودش اینجور وحشیانه، وقیحانه، بی‌ملاحظه و ستیزه‌گرانه رفتار و برخورد میکرد، در مقابل انگلیسی‌ها خوار و ذلیل بود. آنها روی کارش آورده بودند. یک مدتی خواست یک مقداری از آن قطب به یک قطب دیگری متصل شود - به طرف آلمانها متمایل شد - برش داشتند؛ مثل یک عبد ذلیل از ایران خارجش کردند، بردند و پسرش را جایش گذاشتند. سالهای سال کشور ما اینجور زندگی کرده است. این ملت سالهای سال اینجور زیر فشار حکومت‌های مستبد و فاسد و دیکتاتور و ثروت‌طلب زندگی کرده. در هر کجای کشور یک ملک آبادی بود، رضاخان او را به اسم خودش کرده بود؛ در مازندران، در خراسان، در بسیاری مناطق دیگر. ثروت جمع کردند، املاک جمع کردند، جواهرات برای خودشان جمع کردند؛ آخر سر هم مبالغی از ثروت‌های ملی را برداشتند و فرار کردند بردند. الان میلیاردها دلار متعلق به این ملت به آمریکا برده شده است. اول انقلاب، ما از آمریکا خواستیم ثروت‌های را که خاندان پهلوی با خودشان برده‌اند، به ملت ایران برگردانند؛ گوش نکردند. خوب، معلوم هم بود که گوش نمیکنند. اینها همه از یک جنسند.

این ملت به برکت انقلاب در فکر تجدید حیات خود افتاد، راه تجدید حیات را پیمود، کارهای بزرگی انجام داد؛ لیکن کارهای بزرگتری در پیش دارد. ما، هم از لحاظ علمی، هم از لحاظ فنی، هم از لحاظ خدماتی، هم از لحاظ سازمان‌های گوناگون، سازماندهی و سیستم‌سازی در کشور، هنوز کارهای زیادی در پیش داریم که باید انجام دهیم. هرچه برای این مردم کار کنید، زیاد نیست؛ این عرض من و توصیه‌ی من به شماست.

من مجدداً از همه‌ی شما مسئولین محترم که در این شهر مستقرید - استاندار محترم، مسئولین گوناگون - تشکر میکنم و مطلبی را که روز اول هم گفتم، اینجا تکرار میکنم: دستگاه‌های دولتی مواظب باشند؛ اگر چنانچه بر سر یک مسئله‌ای بین خودشان اختلافی هست، نگذارند این اختلاف دودش به چشم مردم برود؛ با مردم تماس پیدا نکنند. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته